

تخفة لغت عربیه، در زمینه آموزش زبان عربی در حد مبتدی و متوسط؛

تاریخ عثمانی، که کتابی است مشتمل بر وقایع سال‌های ۱۲۰۵ تا ۱۲۲۳ ق. نویسنده از سال ۱۲۲۱ ق، به صورت روزشمار اقدام به تألیف این اثر کرده است. عاصم آفندی در این اثر، خود را در حد یک مورخ توانا نشان داده است. این کتاب در دو جلد، در استانبول، منتشر شده است؛

ترجمه مظهر التقدیس بخروج طائفة الفرنسیس، در موضوع اشغال مصر از سوی فرانسوی‌ها، از زبان عربی به ترکی. این ترجمه هنوز منتشر نشده است؛

ترجمه سیر حلبی در سیر و غزوات پیامبر اکرم (ص)، از عربی به ترکی. این ترجمه در سال ۱۲۴۸ ق، در مصر منتشر شده است (همان‌جا).

منابع

شش، رمضان (۱۳۹۱). «مورخان عثمانی»، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
Ipsirli, Mehmet (1999). "Osmanli Tarih Yaziciligi", *Osmanli Yeni Türkiye Yayinlari*, Cild VIII, Ankara, p. 247-256. Öztürk, Necdet (1999). "Osmanlilarda Tarih Yaziciligi Üzerine", *Osmanli Yeni Türkiye Yayinlari*, Cild VIII, Ankara, p. 257-261.

عالی، مصطفی بن احمد

(گلیبولی ۹۴۸ ق- جده ۱۰۰۸ ق). شاعر، کاتب، تاریخ‌نگار شیعه عثمانی در قرن ۱۰ ق.

مصطفی بن احمد چلبی آفندی، متخلص به «عالی». پدرش به مسلک علمیه منسوب است. مصطفی در هفت‌سالگی در محضر درس یکی از بهترین فارسی‌دانان زمانش، مصطفی بن شعبان‌السروری، حضور می‌یافت. پس از اتمام تحصیلات، در استانبول، در ۹۶۸ ق، به خدمت شاهزاده سلیم دوم درآمد. پس از آن، کاتب لالا مصطفی‌پاشا شد. در ۹۷۰ ق، همراه او به شام رفت و به مدت شش سال، در منصب کاتبی به خدمت پرداخت. سپس به مصر رفت. آتش‌سوزی ۹۷۷ ق استانبول را از نزدیک دید. در فتح قبرس به دست لالا مصطفی‌پاشا، همراه او بود. در سال ۹۷۹ ق در حوالی بوسنی، در جایی به نام کلیس حضور داشت که در آن‌جا سمت کاتبی والی بوسنی، فرهادپاشا، را برعهده داشت. در ۲۴ رمضان ۹۸۲ ق، بشارت‌نامه مربوط به پیروزی عثمانی بر

بدرالدین قونوی واقع در قونیه سلوک می‌کرد، عقد اخوت و برادری بست (شش، ص ۲۷۲). وی در اواخر عمر، در حالی که دوران یازنشستگی را می‌گذراند به تاریخ‌نگاری دست یازید (منار، ص ۸۴).

اثر

تواریخ آل عثمان* (مناقب آل عثمان).

منابع

شش، رمضان (۱۳۹۱). «مورخان عثمانی»، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام. منار، ویکتور ال. (۱۳۹۱). «آغاز تاریخ‌نگاری عثمانی»، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

عاصم، احمد

(- ۱۲۳۵ ق). تاریخ‌نگار، وقایع‌نویس رسمی دولت عثمانی.

از فضل‌ا و ادبای متبحر عینتاب بود. وی نزد علما و دانشمندان عینتاب و حلب به کسب علوم مختلف پرداخت. پدرش، جنانی، مردی شاعرپیشه، در شهر عینتاب عهده‌دار مقام قضا بود. عاصم آفندی بعد از کسب تحصیلات به استانبول رفت و مدرس شد. در سال ۱۲۲۹ ق، در سلاتیک قاضی شد. بعد از عزل از این مقام، به اسکدار رفت و در شعبان ۱۲۲۲ ق، به مقام وقایع‌نویسی منصوب شد (شش، ص ۳۶۱؛ نیز ← Öztürk, p 160؛ Ipsirli, p 250).

عاصم آفندی که دو زبان فارسی و عربی را هم‌چون زبان مادری خود می‌دانست، در زمینه تاریخ و لغت آثار ماندگاری تألیف کرد. وی افزون بر تألیف و ترجمه این آثار، شعر نیز می‌سرود. البته اشعار او در دیوان مستقلی تدوین نشده است (شش، ص ۳۶۱-۳۶۲).

آثار

ترجمه برهان قاطع، اثر حسین بن خلف تبریزی از فارسی به ترکی؛ عاصم این لغت‌نامه مفصل فارسی را به سلطان سلیم ثالث تقدیم کرده است. این اثر در مطبوعه عامره چاپ شده است.
ترجمه قاموس‌المحیط، اثر مجدالدین فیروزآبادی از عربی به ترکی: متن ترکی این لغت‌نامه مفصل از آثار گرانسنگ و ارزشمند ترجمه‌شده به زبان ترکی است؛

قاضی مدینه شد. از ۱۱۷۰ ق/ ۱۷۵۷م تا ۱۱۷۱ ق/ ۱۷۵۸م قاضی عسکر آتاتولی و روملی بود. سرانجام در ۱۱۷۲ ق/ ۱۷۵۹م، در دوره پادشاهی مصطفی سوم عثمانی (۱۱۷۱ - ۱۱۸۷ ق)، شیخ الاسلام شد و پس از هشت ماه که در این سمت بود، درگذشت. کوتاهی دوره شیخ الاسلامی وی سبب شد که مردم گمان برند که او را به زهر کشته اند. پیکرش را در گورستان مدرسه ای به نام خود او، در محله ملاگورانی به خاک سپردند. عاصم به طریقت مولویه گرایش داشت و، به گفته منابع، مردی خوش صحبت بود و بیش تر دارایی اش را هزینه خرید کتاب می کرد. تألیفاتی منظوم و منثور به زبان های فارسی، ترکی و عربی دارد و بیش تر اشعارش حکیمانه است. غزلیاتش شهرت دارد، اما آوازه او بیش و پیش از شاعری در تاریخ نگاری است. والّه داغستانی در ریاض الشعرا بیتی ترکی از او آورده و نوشته است: «به زبان ترکی و فارسی شعر می گوید. در هنگام تسطیر شعر فارسی از وی در خاطر نبود». فؤاد کوپرولو می گوید: «اشعار ظریف و متین وی در میان زیباترین آثار این سده قرار می گیرد». این بیت از اشعار عاصم است: «عشق را نتوان نهفتن پرده ناموس ها - شمع تابان را کجا سازد نهران فانوس ها». از آثارش: دیوان (استانبول، ۱۲۶۸ ق/ ۱۸۵۲م)؛ مشآت (۱۸۵۲م)؛ تاریخ چلبی زاده/ ذیل تاریخ راشد که در بردارنده رویدادهای تاریخ عثمانی از ۱۱۳۵ تا ۱۱۴۶ ق است. (۱۷۴۰ و ۱۸۶۸م)؛ عجائب اللطائف که ترجمه سیاحتنامه خواجه غیاث الدین نقاس است. این اثر دارای اشعار فارسی است و عاصم ترجمه خود را به نام ابراهیم پاشا داماد کرده است. عجائب اللطائف به کوشش و حواشی علی امیری دیارگیری چاپ شده است (۱۹۱۳م).

منابع: ایضاح المکتون، ۵۱۶/۱؛ پارس نوستان آسیای صغیر، ۴۴؛

ریاض الشعرا، ۴۵۳/۱ - ۴۵۴؛ عثمانلی مؤلفری، ۴۳/۳ - ۴۴؛ فهرس

المطبوعات التركية العثمانية، ۱۰۰/۲؛ قاموس الاعلام، ۹۴۴/۲ - ۹۴۵؛

Islam ansiklopedisi, 3/370-375; Topkapı sarayı müzesi,

2/199; Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi, 2/128; Türk

edebiyatı ansiklopedisi, 1/132; Türk edebiyatı tarihi, 2/785.

معصومی

عاصم (āsem) / مترجم عاصم، سید احمد فرزند سید محمد

شرح اربعین حدیث کمال پاشا زاده (استانبول، ۱۳۱۶ ق)؛ ترجمه الشقایق النعمانیه تاش کوپری زاده؛ ترجمه التبرالمسبوک فی نصایح الملوک غزالی؛ ترجمه روضه الشهدای حسین واعظ کاشفی از فارسی که آن را در ۹۵۳ ق با افزوده هایی به پایان برد؛ ترجمه روضه خطیب قاسم اوغلی؛ ترجمه السیاسة الشرعیة فی اصلاح الراعی والرعیة از ابن تیمیه با نام معراج الابالة و منهاج العدالة در چهل باب، درباره اخلاق و سیاست نظامی که به سلیم دوم پیشکش شده است و نسخه ای از آن در کتابخانه عاشراقندی نگه داری می شود؛ ترجمه چهل حدیث از ابن محتسب بلگرادی؛ مجموعه صکوک که محمد ثریا و عطایی آن را به او نسبت داده اند؛ ترجمه روضه الاخیار محیی الدین محمد بن کاتب.

منابع: الاعلام، زرکلی، ۲۹۲/۶؛ اولیچلی سیاحتنامه سی، ۵۶۰/۵؛

پارسی نوستان آسیای صغیر، ۴۴؛ تذکرة الشعراء قتالی زاده، ۵۸۹/۲ -

۵۹۱؛ دفتر کتبخانه عاشراقندی، ۱۱۵؛ سجل عثمانی، ۲۸۲/۳؛

عثمانلی مؤلفری، ۳۰۷/۲؛ فهرس المخطوطات التركية العثمانية، ۹۹/۴؛

قاموس الاعلام، ۳۰۴۴/۴ - ۳۰۴۵؛ کشف الظنون، ۳۸۷/۱؛ نگاهی به

روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۲۷۱ - ۲۷۲؛

هدیه العارفین، ۲۵۲/۲؛

A history of Ottoman poetry, 1/139, 161-162, 164; 3/8,

162-163; Encyclopaedia of Islam, 1/698; 5/693; Eski

Türk yazını, 227; Islam ansiklopedisi, 1/695-701; Şair

tezkireleri, 48-55; Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi, 1/

187-188; 6/290-293; Türk edebiyatçıları sözlüğü, 66-67;

Türk edebiyatı ansiklopedisi, 1/135-136; Türk edebiyatı

tarihi, 1/616-617; Türkiye yazarları ansiklopedisi, 117;

Yazarlar sözlüğü, 50-51.

رضایی منش

عاصم (āsem)، اسماعیل، معروف به کوچک چلبی زاده، فرزند

محمد افندی، استانبول ح ۱۰۹۶ - همان جا ۱۱۷۳ ق/ ۱۶۸۵ -

۱۷۶۰م، شاعر، مترجم و وقایع نگار عثمانی. پس از به پایان

رساندن تحصیلاتش، در ۱۱۲۰ ق از شیخ الاسلام عبدالله افندی

اجازه تدریس گرفت. در ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۳م به جای راشد،

وقایع نگار دربار عثمانی شد. سپس قاضی بنی شهر و پس از آن

در ۱۱۵۲ ق/ ۱۷۳۸م قاضی بورس و در ۱۱۵۷ ق/ ۱۷۴۴م

آغاز می‌شود: «در کتبه یکی نکتته ز اسرار اله - لب بسته به عجز خویشتن معترفند»

منابع: فهرست کابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ۱۰۴-۱۰۳/۲؛
فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۱۸۰/۳.

محمدی

تحفة العشاق (toh.fa.tol.oš.sāq)، مثنوی عرفانی به فارسی، نوشته خلیلی (ح- ۸۱۰-۸۹۰ ق). مؤلف این اثر را در ۸۸۰ ق به انجام رساند. تحفة العشاق در هفت صدوینجاه بیت است و آغاز آن چنین است: «بشئو ای جوینده راه خدا - گر تو جویای خدایی با خود آ». برخی عنوان‌های این اثر از این قرارند: در بیان ایجاد جوهر اول، در مراتب عالم ارواح، در مراتب عالم جسم، در خلاصه سخن، تمثیل، اثبات وحدانیت و... تحفة العشاق با این بیت به انجام می‌رسد: «چون ندارد این سخن پایان وحد - بس بود گفتن ز آریاب خرد». نسخه‌های دست‌نویس آن به شماره‌های ۲۱۳۸/۱۱، ۷۱۴۰، ۲۱۷۹/۱۶، ۵۸۹۳ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود.

منابع: تاریخ نظم و نثر، ۳۴۴/۱؛ الذریعه، ۱۳۹/۱۹؛ فهرس المخطوطات الفارسیه، ۶۳/۱؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۴/۲۷۱۹؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های قویه، ۵۶/۱-۵۷/۲-۵۵۴-۵۵۳؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ۹/۹۰-۹۱؛ کشف الظنون، ۳۷۰/۱.

Mevlana müzesi, 2/212, 260.

محمدی

التحفة الهادیه (at.toh.fa.tol.hā.di-ye)/دانستن، رساله مختصری به فارسی و زیرنویس ترکی در دستور زبان فارسی، تألیف محمد بن حاجی الیاس زلیلی (- پیش از ۱۰۰۰ ق). این رساله مانند یک فرهنگ تطبیقی در ده قسم و چهار فصل به این ترتیب نوشته شده است: قسم یکم: مصدر، قسم دوم: ماضی، قسم سوم: فعل مستقبل، قسم چهارم: حال، قسم پنجم: امر، قسم ششم: نهی، قسم هفتم: نفی، قسم هشتم: جحد، قسم نهم: اسم فاعل و قسم دهم: اسم مفعول؛ فصل یکم در اسمای سماوی و ارضی، فصل دوم در اعضای اناسی، فصل سوم در اسمای صناعات و ادات او و فصل چهارم در اسمای حیوانات. آغاز:

تیان نافع (teb.yān-e-nā.fee)، ترجمه‌ای به ترکی از برهان قاطع، به قلم عاصم، مشهور به مترجم عاصم (- ۱۲۳۵ ق). مترجم تنها به ترجمه بسنده نکرده و مدخل‌هایی نیز بر کتاب افزوده است. وی همچنین در ترتیب مدخل‌ها دست برد و آن‌ها را بر اساس حرکت نخستین حرف واژه مرتب کرد. در این اثر معانی واژه‌های فارسی بر اساس کاربرد و بسامد مرتب شده است. مترجم خطاهایی را که در برهان قاطع راه یافته بود، اصلاح کرد. در تیان نافع گاه برابر نهاد و واژه از زبان محاوره مردم غازی عینتاب است. مترجم در ترجمه این اثر که آن را در ۱۲۱۲ ق به پایان برده به بیش از سی اثر نگاه کرده است. تیان نافع در ۱۲۱۴ ق، ۱۲۱۵ ق و ۱۲۵۱ ق به ترتیب در استانبول و قاهره به چاپ رسیده است. تصحیح جدید تیان نافع به کوشش مرسل اوزتورک و دریا ارس در دو جلد به چاپ رسیده است (آنکارا، ۱۹۹۷ م).

منابع: ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ۱۱۹/۱؛ برهان قاطع، ۱۱۵/۱؛ پارسی‌نویسان آسیای صغیر، ۴۴؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۳۸۵/۵؛ دانشنامه جهان اسلام، ۳۰۵/۳؛ زبدة الآثار، ۱۳۸؛ عثمانی مؤلفی، ۳۷۵/۱؛ فرهنگ‌های فارسی، ۱۷۲؛ فهرس المخطوطات ترکیه العثمانیه، ۸۸/۴؛ فهرس المطبوعات ترکیه العثمانیه، ۲۷۰؛ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سیهسالار، ۱۶۳/۲؛ لغت‌نامه، ۲۱۶/۱؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۴۳۳؛ Iranica, 2/140-141; Türk edebiyatı ansiklopedisi, 3/880; Yazarlar sözlüğü, 313.

رشنرزاده

تحسین یازجی ← یازجی

تحفة الاخوان ← مصطفی علمی

تحفة الحرمین (toh.fa.tol.ha.ra.meyn)، کتابی به فارسی در معما، نوشته شیخ کرمانی (سده نهم هجری). مؤلف از مردم خراسان بود و پس از آن که برای گزاردن مناسک حج رهسپار مکه و در همان جا ماندگار شد، این اثر را به نام محمد فاتح (۸۴۸-۸۵۰؛ ۸۵۵-۸۸۶ ق) نوشت. نسخه‌ای دست‌نویس از این اثر که دیباچه آن افتاده و تاریخ کتابت آن ۹۱۷ ق است، به شماره ۱۷۹۴ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود. کتاب با این بیت

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA 30 GÜN İÇİNDE

42369

Mütercim Asım Efendi ve Tuhfe-i Asım. TÜRKMEN, Dursun Ali. Yüksek Lisans. Ondokuz Mayıs Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü,
Samsun, 1995. 114 s., 32 ref.
Danışman: Doç. Dr. Hüseyin Elmalı. Dili: Tr. *Mütercim Asım 132787*

22 Haziran 2015

- el-Kamüsü'l-Muhit
Mütercim Asım Efendi

Mütercim Asım Efendi'nin Kamus Tercümesi'ndeki uzuv isimleri. KIRIŞÇIOĞLU, M. Fatih. Bil. Uz. Selçuk Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Konya, 1988. 82s.

Danışman: Prof.Dr.Kemal Eraslan.

1988 HAZİRAN 1993

10005

"AHMED EFENDI ASIM"

TTM/AED

1315
1235

Halil Merdem, "Ayân ...", s.76

S.Ü. Fen-Ed. T.Dil.-Ed

1988 Türk Dili

M.Fatih KIRIŞÇIOĞLU

Prof.Dr.Kemal ERASLAN

08 OCAK 1994

Mütercim Asım Efendi'nin Kamus Tercümesi'ndeki Uzuv isimleri

Y. Lisans Tezi.

82 132987 MÜTERCİM ASIM EFENDI

sayfa

Asım Efendi, Mütercim.

Mütercim Asım Efendi

(v. 1869)

Hayatı ve eserleri hakkında resmî ve bîsmî

Revnakoglu B, Nu: ~~21~~-22

MÜTERCİM ASIM EFENDI

Aksoy, Ömer Asım.

Mütercim Asım, 1755-1819. — (Ankara) : Ankara Üniversitesi Basımevi, 1962.

60 p. ; 20 cm. — (Türk Dil Kurumu T.D.K. tanıtma yayınları : Türk diline emek verenler dizisi ; 2) (Türk Dil Kurumu yayınları ; 196)

Türkisch

I. Title.

PL248.A695Z58

76-288200 neg 1-13836

DLC CaQMIIS CLU NJP NNC OrPS WU

22 TEMMUZ 1997

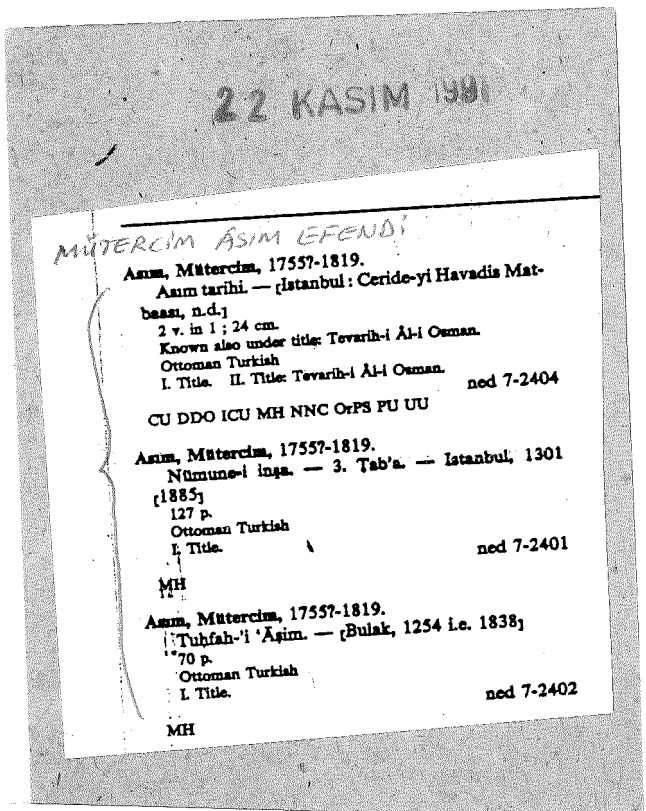
Mütercim Asım Efendi

-el-Kamüsü'l-Muhit

16 HAZİRAN 1993

KIRIŞÇIOĞLU,

M. Fatih (Arş. Gör.), "Mütercim Asım Efendinin Kamus Tercümesindeki Organ İsimleri", Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi, (Danışman : Prof. Dr. Kemal Eraslan), Selçuk Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Türk Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı, 1987, 82 S.



ASIM EFENDI, MÜTERCİM

Mehmed Tahir b. Rifat (Bursalı).

Terâcim-i Ahvâl-i Mütercim-i Kamus

Ahmed Asım Efendi.

S. Müstekim, VII, sy. 180, s. 383-384.

18.3 OSMANISCH, TÜRKETÜRKISCH

132987
MÜTERCİM
ASIM
EFENDI

5982. Aksoy, Ömer A.: Mütercim Asım : (1755 - 1819) / Ömer Asım Aksoy. - 1. baskı. - Ankara, 1962. - 60 S. - (Türk Dil Kurumu yayınları ; 196 : T.D.K. tanıtma yayınları Türk diline emek verenler dizisi ; 2) Inhalt: Bibliographie des Sprachwissenschaftlers u. Lexikographen Mütercim Asım, 1755 - 1819. - Text türk.

9 E 899

21 TEMMUZ 1997

علي رضا قره بلوط , معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات
إستانبول و أناتولي, الجزء الأول, [y.y.,t.y.] , İSAM 141806

s. 279

04 Nisan 2006

Mutercam Asim
0827 - أحمد عاصم بن جناني أبو الكمال العيتسلي

ثم الإستانبولي العثماني الأديب الشاعر اللغوي
المعروف بترجم القاموس وأيضاً جناني زاده المتوفى
بإستانبول سنة 1819/1235

(أنظر : هدية العارفين 184/1 ؛ فهرس قيصري راشد
أفندي ص 166 ، 296 ؛ عثمانلي مؤلفري 1/375)
من تصانيفه :

1 - تاريخ عاصم = تاريخ عثمانلي (ت)

سليمانيه ترجمان رقم 284 ، 1234 — طبع في
إستانبول بدون تاريخ على جزأين ؛

2 - تبيان نافع در ترجمة برهان قاطع - في اللغة (ت)
مراديه رقم 4374 ورقية 428 ؛ رقم 4375 ورقية
562+261 ؛ محمود ثاني رقم 1141 ورقية 546 ،
1212 هـ طبع في إستانبول 1214 ، 1268 وفي بولاق
1251 ؛ طبع في القاهرة 1251 ؛

3 - تحفة عاصم - في اللغة (منظوم) (ت)

تاريخ التأليف 1231 هـ ؛ طرنوالي رقم 1797 صفحة
188 ، 1208 هـ متحف مولانا رقم 3121 ، 1237
هـ رقم 5443 ورقة 84 ؛ أمانت خزينه سي رقم 2013
ورقة 60 ، 1213 هـ خسرو باشا رقم 707-708 ؛
مهر شاه سلطان رقم 2/444 ؛ وهي نظيرة لتحفة وهي ؛
جامعة أرضروم قسم المبيعات رقم 2/290 ؛ نشر في
بولاق 1254 ؛

4 - ترجمة السير الحلبية = إكليل يافوخ في ترجمة
السير الحلبية (ت)

خسرو باشا رقم 372 ؛ وهي ترجمة سير إبراهيم بن
مصطفى الحلبي المصري ؛ طبع في إستانبول 1248
وفي بولاق 1248 ؛

5 - ترجمة القاموس المحيط = الأوقيانوس البسيط في
ترجمة القاموس المحيط للفيروزآبادي - في اللغة (ت)

تاريخ الترجمة 1225 هـ ؛ حميديه رقم 1377-1379
جزء 1-3 ؛ طبع في إستانبول 1230 على ثلاثة أجزاء وفي
1304-1305 على أربعة أجزاء ؛

6 - مرصع المعالي في شرح قصيدة بدء الأمالي (ت)

متحف مولانا رقم 1132 ورقة 111 ، 1216 هـ
أسعد أفندي رقم 1211 ، 2299 ؛ طبع في إستانبول
1266 ، 1304 ؛

miş olduğu şöhret kendisi için en büyük ma'nevî bir mükâfattır.

İstanbul sokakları adlandırılırken vilâyet mektubcusu kadirşinas ve âlim Osman Ergin'in himmet ve delâletile Hırka-i Şerif ve Mesih Ali Paşa camiine sapan ve oradan Yenibahçeye incek olan caddeye «Mütercim Asım» adı verilmek suretile Asım'ın adı yaşıtlamak istenilmiştir.

Lûgatlerle Türk dilinin kal'asını yapmış, tarihile on dokuzuncu asrın ilk yıllarının panoramasını çizmiş, kelâm ve akaide aid eserlerle iç varlığını ve iman kaynağının temizliğini göstermiş, şiirlerle, gönül çarpıntılarile zevk ve ıztırlarını aksettirmiş olan bu büyük Türk âlimi kendisile iftihar edeceğimiz ve adını yaşatacağımız millî bir değerdir. Ölümünün 125 inic yılına rastlıyacak 1944 yılında Karaca Ahmed'in ihtiyar servilikleri altında yatan büyük dil âlimi Asım Efendi hakkında bir tören yapılması ve her yıl 26 Eylülde yapılan dil bayramında Asım Efendinin anılması çok yerinde bir hareket olur. Çünkü o buna herkesden ziyade hak kazanmıştır ve o, buna lâyıktır.

Asım'ın eserleri. — 1. *Tarih-i Asım.* Matbu' iki cild. Ceride-i Havadis matbaasında tab' edilmiştir. Tarihi ma'lûm değildir. Matbu' tarihi yazma tarihinin çok kısaltılmış ve bir çok maddeleri tamamen kaldırılmış ve ba'zı ilâveler yapılmış bir haldedir. Asım'ın tarih cebhesini asıl yazma tarihinden tedkik etmelidir. Asım tarihine 1218 senesi vukuatının bir kısmile 1219, 1220 senesi vakiiini Vâsif Efendiyle Pertev Efendinin müsveddelerine dayanarak yazmış, üç senelik vakayii de Divan-ı hümayun kalemlerinden çıkartarak yeniden tanzim etmiştir. 6 senelik vakayiiini 1223 senesi Şa'banının ortalarında Bâbiâliye vermiş, fakat bu cild işlerin çokluğu yüzünden saraya bayramdan sonra takdim edilmek üzere alkonulmuştur. Fakat Alemdar Mustafa Paşa vak'asında Bâbiâli yanmış olduğundan tarihin tekrar yazılması için irade çıkmış, Bâbiâlîde mevcut kayıtlar kendisine verilmiş ve tarihini yazmak için tekrar bir sürü zahmetlere katlanmıştır (*Vakayî'nâme mukaddimesi*).

Vakayî'nâme 1219 senesi vak'aları, tarihin beyan ve fazileti ile başlar. Ali paşanın katli, Cezar Ahmed Paşa, Vehhabilerin menşei, kâğıt tezgâhları ve en sonu Şirvan ma'denleriyle nihayet bulur. Yazma tarihi ise iki cild olup bir kısmı bizzat el yazisile yazılmıştır. «Asım'ın tarihçiliği» kısmında bu hu-

suda izahat vermiş bulunuyoruz.

2. *Makale-i istibsâ'âmiz der beyan-ı âmeden-i İngiliz.* 16 varakdan ibaret olan bu eser İngilizlerin İstanbula gelişini tasvir eder. Şefiknameye nazire olarak yazılmış gibidir. Necib Asım bey tarafından Müverrih Asım Efendinin metrukât-i tarihiyesinden birkaç parça, (Tarih-i Osmanî Encümeni Meçmuası, sene 6, s. 553, 592, sene 7, s. 168, 205) aşağı yukarı bu risaleyi andırır. Asım'ın el yazisile olan müsveddeler Fatih Millet Kütübhanesinde dir.

3. *Muzhir-üt-Takdis Bi-huruc-i Taifet-il-Fransis.* Mısır'ın Napoleon Bonapart devrinde Fransızlar tarafından işgali zamanına ait olarak Abdurrahman b. E-Cebertî tarafından yazılan tarihin Türkçeye tercemesidir. Bu kitap Fransızların Kahireye girişlerinden çıkışlarına kadar olan vakayii en güzel bir kaynağıdır. Aynı kitap Hekimbaşı Mustafa Behçet Efendi tarafından da terceme edilmiştir. İsim ve birkaç kelime farkından başka bu iki terceme arasında tamamile ve kelimesi kelimesine benzerlik vardır. Araştırmalarımıza dayanarak söyliyelim ki bu kitap Mustafa Behçet Efendi tarafından terceme edilmemiş, belki de başkasının terceme ettiği bir eseri kendisine mal etmek gibi bir harekette bulunmamıştır. Tercemenin Mustafa Behçet Efendiye isnadı şu mes'eleden ileri gelmiştir. İhtimal saray tarafından vaki' olan arzu üzerine Behçet Efendinin imamı Hafız İbrahim Efendi çok güzel bir hatla yazıp tezhîb ettiği ve Seyyid Keşfiye de cildlettirdiği bir «Muzhir-üt-takdis» tercemesine Asım Efendi yerine Efendisinin ismini yazmış ve bu eseri bu şekilde Sultan Abdülmecid'e takdim ettirmiştir. Kitabın sonunda 7 Rebiulevvel 1260 tarihi vardır. Halbuki Mustafa Behçet Efendi 1248 tarihinde öldüğüne göre (Mezarı Üsküdar'da Nasuhi dengâhındadır) böyle bir eseri bu tarihte yazdırmasına ve saraya takdim etmesine imkân olamaz. Olsa olsa kütübhanesinde Asım'ın bir tercemesini gören İmam Efendi bilerek veya bilmiyerek bu işi yapmış, bundan sonra bu terceme her iki âlime mal edilmiştir. Hafız İbrahim'in yazdığı bu kitap Üniversite kütübhanesinin müze kısmında 96 numarada kayıtlı olup 95 varakdan ibaret tir. Asım Efendinin kendi el yazisile olan nüsha da yine Üniversite kütübhanesinde Türkçe yazma tarih eserleri arasında 2448 numarada kayıtlıdır ve 87 varaktır. Her iki nüshayı arzu edenler karşılaştırıp tedkik, mukâyese ve muhakeme edebilirler. Cevdet Paşa

Hikmet Turhan Dağlıoğlu,

"Asım, Mütercim Seyyid Ahmed Asım"

İslam - Türk Ansiklopedisi, İstanbul 1360-1940

S. 564-581

written in the Arasic script furthermore, the poets of the various poems in the selams (one of the four section of the ayin) have been determined the descriptions of the ayins have been presented. The types of rithyms used in the four selams of the ayins and the reasons for using different rithyms during the ayins such as fast and slow or long and short, in other words, the musical aspects of the ayins and their common characteristics have been described. With this study, the lyrics and the variations of the musical composition of one of the most magnificent and reknowned masterpieces of music, the Miraciyye of Osman Dede, have been compiled. Additionaly, the "Hilye-i Hazret-i Mevlana" of Bursali Riza which has been published before, has been included in this study together with the poems of certain poets of the 17 th and 18 th century.

Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler
Enstitüsü Tez Özetleri (1986-1990)
S. 5-6, 1991-KONYA.

Türk Dili ve Edebiyatı Araştırma
Dale Yüksek Lisans Tezi.

- Kamusül-Muhit
- Mütercim Asım Efendi. x

TURKISH ANIMAL NOUNS IN THE TRANSLATION OF KAMUSU'L-
MUHİT

Kamus'l-Muhit Tercümesindeki Türkçe Hayvan İsimleri

Kemal GÜLER

Supervisor (Danışman) : Prof Dr. Kemal ERARSLAN
1988, Pase : 235

Jury (Jüri) : Prof Dr. Kemal ERARSLAN
Prof Dr. Hüseyin AYAN
Doç. Dr. Önder GÖÇGÜN

Up to these days from the past words, terms, expressions and idioms about animal husbandry in the language and culture of Turkish nation, having fed animals having made a part of life even ways the animal culture and animal husbandry.

We have been researched in our studies the animal nouns which are Turkish and having been Turkish in Kâmûs'l-Muhît (1) of Mütercim Asım Efendi. (2) We studied forms, meanings, even time and time actual meanings of these nouns in the known dictionaries and other works. Certainly, this subject must find out and research as more large details. Unfortunately. This can not made because of the content of our studies and being limited of our works and our times. our aim is to improve the works in this field.

Our thesis is two parts, are introduction (XXXIV pages) and comparative dictionary (231 pages). In the Introduction firstly Mütercim Asım Efendi, the writer of the translation of Kâmûs'l-muhît, whose life, works and literary carier. After words Kâmûs'l-muhît explained as details and the method of our studies.

In this part, endly the subject of animals in Turkish language and Turkish culture have been researched under the titles as the below:

- 1) This is the translation of Ebu Tahir Muhammed bin Yakup Firûzâbâdî's Arabic dictionary which is called Kâmûs'l-muhît which was translated into Turkish by Mütercim Asım Efendi.
- 2) He was born in Ayıntap in 1755 (?). He belongs to a family who has grown up scholar. In little age, he took lessons from familiar scholars and writers who belong to culture center of are in Ayıntap. He worked an official after he went to Istanbul. In 1819 he died in Istanbul. M. Asım Efendi has a lot of works and was known as a poet, historian and dictionary writer. His most known works are Tarih-i Asım ve Vak'a-i Selimiye, Tuhfe-i Asım, Tibyân-ı nâfi, der-terceme-i Burhân-ı kâti and El-Ukyânûs'l-basit fi Tercemeti'l-Kâmûs'l-muhît.

الباهرة الذي هو بكل علم خبير كان من اكابر العلماء الفحول وشهرته نغنى عن تعريفه ووصفه ولد بحلب وكان مداريا ٦ في الاصل ففتح الله عليه واشتغل في بدايته على اهل بلده حلب الشهباء وكان رأى رؤيا فقصها على شيخه ومرييه الشيخ صالح المواهي شيخ القادريه بحلب فامر به بالقرآءة في العلوم فوجه الى مصر القاهرة واستقام بها سبع سنين مشتغلا واتفق فيها المعقولات ثم توجه الى بلده فستل عن المتقول فاطهر العلم بحققة كما ينبغي فقالوا له احتياجا الى المتقول اكثر من احتياجا الى المتقول فسافر الى الحج على طريق الشام وقدم دمشق واخذها عن جماعة فاخذ التصوف عن الاستاذ الشيخ عبدالغني النبلسي واخذ عن الشيخ ابي المواهب ابن عبد الباقي مفتي الحنابلة بها والشيخ الياس الكردي زيارتها وقرأ مفصل از منحشري على الشيخ محمد الحبال واخذ عن اشهاب احمد الغزالي العامري وتوجه الى الحج فاخذ عن الجمال عبدالله بن سالم البصري المكي والشيخ ابي طاهر بن ابراهيم الكوراني المدني والشيخ محمد حيله السندي والشيخ محمد بن عبدالله المغربي ثم رجع الى القاهرة فاخذ المعقولات والتمقولات عن السيد علي الضرب الحنفي وكان معيد درسه وانتفع به كثيرا وعن الشيخ موسى الحنفي والشيخ سليمان المنصوري مفتي الحنفية وعن الشيخ سالم النفاوي المالكي والشيخ الدفري والشيخ احمد الملوي والشهاب الشيخ احمد بن عبد المنعم المنهوري والشيخ علي العمادي والشيخ محمد بن سيف والشيخ منصور النوفى واذن له المشايخ بالتدريس فاقرأ الدر المختار وهو اول من اقرأ في تلك الديار واول محشى له فاقرأه في اربع سنوات مع الملازمة التامة واقرأ الهداية وغيرها وانتفع به الجلب واشتهر بالذكاء والفضيلة وتزاحت الطلبة على دروسه وصار اماما ليوسف كنجيه ٨ وانتفع من المذكورين عريضة وجهات كثيرة الى ان توفي فاذه الامير عثمان الكبير احدا مرآه مصر المعبر عنهم بالصناجق ١٠ واستخلص جمع ما بيده من الجهات والزمنه باموال كثيرة فابقي عنده شئ في تلك السنة عزل من طرف المصريين الوزير سليمان باشا العظم من ولاية مصر فارسلوا للشكايه عليه المترجم مع جماعة فتوجه الى الدولة العثمانية فاعتبره والبهاو كان رئيس كتابها اذذاك الوزير محمد باشا المعروف بالراغب فلما اجتمع به واطلع على غزير فضله وعلمه اخذ اليه وتلذذ به ٤ فاقرأه في كثير من العلوم وقابل له النسخ المتعددة منها الفتوحات المكية التي باصلها نسخة مؤلفها من قونية وغالب النسخ المقبلة خط المترجم واشتهر الى ان اعطى الراغب الاطواغ ٢ ومنصب مصر فاراد التوجه وانزل حوائجه في السفينة

٦ قوله وكان مداريا اي كان يصنع آلة التدريه

ح ٢

٨. قوله كنجيه كنجدا مخفف كدخددا اذ كدبا لفتح الكاف دار وخدا صاحب فعلى قاعدة الفارسيه كد خدا صاحب الدار واطلق على من بيده فتق الامور ونفها وهذا امر شايع بين اكابر الزمان الذين لهم وكلاء الديار

ح ٢

١٠. قوله بالصناجق كانه مفرد واصله سنجق صاحب علم وهو امبروا استعمالوه في زمان دولة الاتراك حتى جمعوه على سناجق فالصناجق محريف على تحريف وباداهم محمد علي باشا الذي تولى مصر في سنة ١٢١٩م حتى الاذكرهم في الورق

ح ٢

قوله تلذبا بالحيفة بعده

فغته القدرة الالهية وبقي في القسطنطينية واجتمع بشيخ الاسلام علامة الروم المولى عبد الله الشهير بالابرائي وكان اذذاك قاضي العساكر فصار عنده مقتضا ومبيرا وقرأ عليه علماء الروم منهم ولد المذكور شيخ الاسلام المولى محمد اسعد ومنهم كنجدا الدولة محمد بن كاشف المشهور بالعارف واحد رواساء الكتاب ملائق زاده المولى اسحق قاضي العساكر ولازم من ملائق زاده المذكور على قاعدة المدرسين الموالى ثم لاصار شيخ الاسلام المولى السيد مرتضى ولد شيخ الاسلام المولى السيد فيض الله الشهيد عرضت عليه مؤلفاته فاعطاه تدريس الدولة وسلك طريق الموالى الى ان وصل الى موصله السليمانية فادركته المنية قبل الامنية وله حاشية على الدر المختار وشرح جواهر الكلام ونظم السيرة في ثلاثة وستين بيتا وشرح لغز البهاء العاملي وله رسالة في العروض ورسالة في المعنى وغير ذلك ودرس في جامع السلطان سليم وفي جامع اباصوفية بمشينة الحديث وكان مكبا على المطالعة والاقراء ايلانها راجع مع عدم مساعده سنة وانحطاط مزاجه لاستعمال المكيفات ودائما دروسه تحضر فيها العلماء وغالب محققى الازهر تلامذته واماني بلاد الروم فلا يحصون كثرتوفى ٥ رحمه الله تعالى في شهر ربيع الآخر سنة تسعين ومائة وانف ودفن بقسطنطينية جوار سيدي خالد بن زيد ابي ابوب الانصاري رضى الله عنه

ابراهيم بن سعد الدين

(ابراهيم) بن مصطفى بن سعد الدين بن محمد بن حسين بن حسن بن محمد بن ابي بكر بن علي الاكحل المعروف كاسلافه بابن سعد الدين الجبوي السعدي الشافعي المدمشق القبياتي شيخ طائفة بنى سعد الدين وخاتمة السلف الصالحين الشيخ الاوحد الصالح العمدة صاحب الحلات العجيبة كان شهها معتقد له ثروة زائدة وملاة واسعة لان ايراد بنى سعد الدين في وقته كان من المجمع على كثرتة وهو يتفقه باكرام الوافدين واستقام على سجادة المشيخة مدة والناس يتبركون به ويخرجون الى زيارته بالزواية في القبيات واعطاه الله جاها ومالا ودنيا كما اشتهى وشاع ذكره الى يومنا هذا والحكام تهابه والاعيان تحترمه وتخرج زيارته وكان من اكابر الصوفية له الشهامة الزائدة والنم الطائلة وقد توسع في آلات الاحتشام حد التوسع وكان على طريقة اسلافه في البذل والادارات والميل الى الشهرة وعلى كل حال فقد كان خاتمة الاجواد من آل بيتهم وبدمه لم يخلفه احد وامدحه

«٤» تلذم مثل دحرج

ح ٢

«٣» اطواغ كانه جمع

طوغ مولد من توغ

الفارسيه كان

يعطي للوزرا وقد

زال الان اسمه ورسمه

فلا حاحه لتاعلى

ان نبحت عن طوغ

وتوخ وطوخ

استعمالا

ح ٢

«٥» صاحب الترجمة

مشهور براغب باشا

خواجه سي

ح ٢



Silk'od-düres,
I, 39.

colle 'öremli

Gaziantep Şehit Kâmil Belediyesi
Kültür Müdürlüğü Yayınları No: 11

Dünya Çapında Dil Âlimi

Antep li

MÜTERCİM ÂSİM EFENDİ

İSLAM KÜTÜPHANESİNE

NUMAN YAZICI

08.04.2004

N. Yazıcı



Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	96955
Tas. No:	924 A 51

T.C.

GAZİANTEP

ŞEHİT KÂMİL BELEDİYESİ

Tel: (0342) 323 37 70 Fax: (0342) 323 06 30

Baskıya Hazırlık
Erhan Yayın Dağıtım

Baskı
Bayrak Matbaası

Cilt
Kahraman Ciltevi

İstanbul, Mayıs 2001

ATATÜRK KÜLTÜR, DİL VE TARİH YÜKSEK KURUMU

TÜRK DİL KURUMU YAYINLARI : 733

TÜRKİYE TÜRKÇESİ SÖZLÜKLERİ PROJESİ
ESKİ SÖZLÜKLER DİZİSİ: 2

Mütercim Âsım Efendi

BURHÂN-I KATI

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi Yavuz ARGIT Bölümü	
Dem.No.	119.387
Tes.No.	491.503 TEB.13

Hazırlayanlar

Prof. Dr. Mürsel Öztürk Dr. Derya Örs

Ankara, 2000

ÂSİM

Özel mektuplarını derleyen *Münşeât*'ı 1869'da yayımlandı. Bunlardan başka Hoca Gıyâsüddîn Nakkaş'ın eseri olan *Acâibü'l-Letâif*'ini *Hutay Seyâhatnâmesi* adı ile Türkçeye çevirdi. Eser 1912'de Ali Emîrî tarafından yayımlandı.

Kay.: AZ s. 203-206; DM s. 101; EŞDEA s. 487-490; Gibb, *Osmanlı Edebiyatı Tarihi*, Ahmed Tevfik, "Çelebizade İsmail Âsım Efendi Merhum", *Tercüman-ı Hakikat*, 6.1.1900; Ali Canip Yöntem, "Çelebizade Âsım", *Hayat Mecmuası*, 1/20; İA 3/370; İKTYDK 3/771-776; İS s. 532; KÂ 2/944; ML 1/720; MN v. 171, 308; NAFE (SK Esad Ef. 2549) v.192b-193a; NAZZE s. 256-257; OM 3/43; RTET 2/785; SO 1/366; TDEA 2/128, TGDEİS s. 45; TH s. 650; THE s. 265; TN 2/617-618(2623); TŞ 1/108-111; TŞ/S s. 459; TSMK TYK 2/199. ••F. HANÇERLİOĞLU-KILIÇ

ÂSİM (1755 - 27.11.1819): Osmanlı âlimi, tarih yazarı, dilci, şair. Adı Ahmed Âsım'dır. Gaziantep'in tanınmış bir ailesine mensuptur. Dedelerinden Çarpınlı Şeyh Ahmed*, *Nazmü'l-leâl* adlı Arapça-Türkçe manzum lügatı ile tanındı. Babası, mahkeme başkâtibi Cenânî Efendidir. Önce özel hocalardan ders aldı, sonra çok iyi bir medrese tahsili gördü. 1788 - 1789 yılları arasında Battalzade Nuri Paşanın divan kâtibi oldu. 1791/1792'de İstanbul'a geldikten sonra ilim adamı olarak tanındı. 1796/1797'de *Burhan-ı Katı*' (Kesin Delil) adlı Farsça lügatı Türkçeye çevirip III. Selim'e sunarak müderrislik payesi aldı. Firuzâbâdî'nin ünlü *Kamus*'unu tercüme etti. 1807'de vak'anüvisliğe tayin edildi. Kendinden önce vak'anüvislik yapmış olan Enverî*, Edib*, Nuri*, Vâsîf*, Pertev* ve Âmir* Beylerin bıraktıkları vak'ayınameleri ve notları değerlendirerek iki ciltlik *Âsım Tarihi* adlı eserini yazdı. 1817'te Selânik kadılığına atandı. Azledildikten sonra dönüşünde İstanbul/Üsküdar'da vefat etti. Ahmed Âsım, Türkiye'de Avrupa ilim ve kavramlarının anlaşılmasında etkili oldu. Kendisi Avrupa medeniyetini almaya taraftar, fakat Fransız hayranlığına karşıydı. Eserlerinde üslûbu sade, dili hayli rahat ve samimî olduğundan Tanzimat yazarları onu öncü olarak kabul ettiler ve kendilerine örnek tuttular. Ahmed Âsım, tarihçiliğinden ziyade Kamus Mütercimi olarak tanındığından Mütercim Âsım lâkabıyla anıldı. Ebüzziya Tevfik, *Nümûne-i Edebiyat-ı Osmanîyye'sinde Âsım için "Kamus ve Burhan tercümeleri, Âsım'ın dil ve edebiyattaki geniş bilgisinin en büyük şahitleridir."* der; Veled Çelebi "Lügatçilerin en büyüğü, tahkikte birincidir"; Fuad Köprülü ise, "Arap ve Fars filolojilerine vukuf

bakımından bütün Osmanlı edebiyatında eşsiz bir lügatçidir." şeklinde vasıflandırır. **Eserleri/Sözlük:** *Tibyân-ı Nâfi' der Terceme-i Burhân-ı Katı* (İst. 1799); *El-Okyanûsü'l-Basît fi Tercemetü'l-Kamûsi'l-Muhît* (3 c. İst. 1814 - 1818). **Tarih:** *Âsım Târîhi* (2 c. tarihsiz). **Tercüme:** *Terceme-i Siyeri'l-Halebî* (İst. 1832); *Merhû'l-Ma'âlî fi Şerhi Kasîdeti'l-Amâlî* (İst. 1849); *Muzhirû't-Takdîs bi-Hurûc-ı Tâifeti'l-Fransis* (basılmamış); *İhyâ-i Ulûm* (Gazâlî'den çeviri). **Manzumeler:** BDK Nu. 834'te kayıtlı bir mecmuadadır.

Kay.: KÂ 4/3046; LTC 5/3; ML 1/169; OM 1/375; OTM s. 65; RTET 2/823; SATŞ 1/66; SO 3/283; TDEA 1/177; TGDEİS s. 46; TH s. 261; TN 1/(2608); TŞ/AH s. 46. ••A. ESATOĞLU

ÂSİM (? - 1838): Divan şairi. Amasya'da doğdu. Asıl adı İbrahim Âsım'dır. Yeğenzade diye tanındı. Öğrenimini Amasya'da tamamladı. Şehrin zâdegânından olduğu için memleket işlerine hizmette bulundu. Şiirlerinden bir örnek *Fatîm Tezkiresi*'ndedir.

Kay.: TDEA 1/76; TGDEİS s. 46; THE s. 267; TN 1/889(2609); TŞ 1/103-104. ••F. HANÇERLİOĞLU-KILIÇ

ÂSİM (1805 - 1884): Divan şairi. Kütahya'nın Örencik kasabasında doğdu. Asıl adı Yakup Âsım Efendidir. Müderrislik ve kadılıklarda bulunan, 1824'te Edirne kadısı olan Kütahyalı Halil Rüşdî Efendinin oğludur. Bu yüzden Kadıoğlu diye tanındı. İlk tahsilini babasından aldı. İstanbul'da medrese tahsili yaptı. İcazet aldıktan sonra Evkaf Hazinesi Müfettiş Kalemine girdi. Stajını tamamlayıp naib oldu. 1848'te Trabzon, 1852'de Kıbrıs, sonra Tırnava, 1857'de Mısır, 1860'da Medine kadısı oldu. Medine'de iken Sultan Aziz tarafından yaptırılan binaların manzum tarihlerini Fuad Paşanın tashih eylediği *Lûtfî Tarihi*'nde geçmektedir. 1863'te İstanbul payesini aldı. 1870'de İstanbul kadısı oldu. 1874'te Anadolu kazaskerliği payesiyle Meclis-i Meşayih reisliğine getirildi. *Kânûn-ı Esâsî* aleyhinde bulunduğu, bu yüzden 1878'de kadı olarak Kütahya'ya sürüldüğü söylenirse de gerçek olup olmadığı kesin değildir. İstanbul'da öldü. Kabri Karaca Ahmet'tedir. Kabir taşındaki tarih "Didi Âsım Molla ya Hak kıldı terk mâsivâyı"dır. Bir divan tertip edecek kadar nazım ve nesir eserleri vardır. Şiirleri *Fatîm Tezkiresi*'nde ve *Son Asır Türk Şairleri*'nde mevcuttur. Hicviyeleri de vardır.

Kay.: *Lûtfî Tarihi*. SATŞ, 1/73-75; TGDEİS s. 46; THE s. 267;

سیاست طؤہ مدینہ منورہ میں زمان امارت میں کنیشیجہ برنفس آلہ مدینہ کی ہدی
نظر بٹمنش اوغلتک محاربه میدانلرندہ مقتولاً وفاتی فلاکتی دہ کوردی
نہایت کلہ سنی دہ ووردی .

اسلافی کبی علامہ الدولہ دہی موقع جغرافیسی اعتباریلہ آوروپالیلر
ایلہ ہیج برکونا مناسبندہ بولنماش اولدینندن بوجہتجہ آزادہ سراولہرق
یشامشدر .

علامہ الدولہ مرعشده ، عینتایدہ ، آنطاکیدہ ، ہارونیدہ (بانجیہ
قضاوندہ در) ، قارص ذوالقدریدہ ، اندریندہ ، ظماتیدہ ، بوزاوقدہ ،
الہستاندہ ودیکر بعض برلردہ جامع ، مسجد ، مدرسہ ، دارالحدیث ،
عمارت ، زاویہ ، تربہ کبی برچوق مؤسسات دینیہ وجودہ کتیرمشدر .
باقیات صالحاندن مدود وقسم کلیسی معمود وموجود اولان آثار مبرورہ
مذکورہ مستندہ مبادیاً وابدیاً جالب رحمتدر .

عارفی

مابعدی وار

مؤرخ عاصم افندینک متروکات تاریخچہ سندن برقاچ پارچہ 23 TEMMUZ 1990

دارالفنون ادبیات شعبہ سی مدرسہ سندن فرید بک افندی عاجز لرینہ
تاریخچہ بک مهم بعض اوراق اعارہ سی لطفندہ بولندیلر .
طولانی اولہرق ایکیبہ قیورلمش درت طبقہ دن عبارت اولان
بوکاغدلرک ہر ایکی یوزی یازلمشدر .

بوکاغددن بریسنک اوزرندہ کانی ، امضاسی کورینبور ایسہدہ ،
مشہور شاعر کانی بحث اولتان وقایعدن چوق زمان اول ارتحال ایش
اولدینندن بونک مشارالہبہ اسادی طوغری دکلدر . اولسہ اولسہ ،
سترہویت ایچون دکلسہ ، اسلوب افادہ سہ باقہرق یاقیشدیرمہ قیلندن
اولہرق بردیگری طرفندن اولہ برقید دوشولمش اولہ حق .

قارئلر مزکدہ تدقیق ایلہ تسلیم ایدم جکلری وجہ ایلہ بو یازیلر مؤرخ
احمد عاصم افندینک در . واقما آرادن بعض کاغدلر ثائب اولمش ایسہدہ عاصم
وجودت تاریخچہ مختصر جہ کیلن بعض وقایعی عنینہ سیلہ تفصیل
ایلدیکندن تاریخ عثمانینک او صحیفہ لرینی تنویر ایچون بونلرک نشری
تسیب ایلمشدر . کاغدلرک بعض لرلی فرسودہ لشمش اولدینندن
بالضرورہ بعض اہمیتسز بوشلق قالمشدر . دیگر طرفندن عاصم افندی
ہر نہ دنسہ بعض رجالہ تراہت قلمیہ یہ یاقیشمہ حق درجہ دہ دیل
اوزاتمش اولدینندن اورالریدہ بالضرورہ نقطہ لرلہ کیلمشدر . کاغدلرک
مندرجاتی شودر :

انکلیزلرک چساق قلمہ دن مروری ، سید فیضی افندینک اعدامی
وترجمہ حالی ، ابوقوف شامی راغب پاشانک ترجمہ حالی ، حج بونلک
انسدادی ، دارالسعادہ آناسنک ایکنجی یازچیسی احمد افندینک اختاق ،

(الحاج ابراهيم افندی) حلبیدر عبدالغنی نابلسی تلامذندن اولوب
مصرده جامع ازهرده تدریسده بولندی درسعادته کلدکده راغب پاشایه برخیلی
زمان معلم اولدی موصله سلیمانیه مدرسی اولوب ۱۱۹۰ده فوت اولدی ایوبده
مدفوندر «عالم فاضلدر درمختاره حاشیه یاپدی ورسائل سائرہ یازدی
سیر نبوی بی التمش اوچ بیتله تنظیم وبعده شرح ایلدی عاصم افندی بونی ترجمه ایلدی
دامادی (احمد حجازی) دخی ۱۱۹۰ده وفات ایوب یانسه دفن ایلدی
مخدومی مدرسیندن حلبی زاده اسماعیل حقی افندی ۱۲۱۶ده وفات ایلدی
طویقپویه دفن ایلدی رجالدن حلبی زاده علی رائف افندی بونک مخدومیدر •
(ابراهیم ندیم افندی) سرابطا سعید افندی مخدومیدر •

(ابراهیم اغا) (اهلی اغاجق) صدر اعظم اتباغندن اولوب قپوجی
باشی ۱۱۷۹ شوالنده ارپه امینی ۱۱۸۰ده قپوجیلر کتخداسی و صکره قپوجی
باشی اولدی ۱۱۹۲ده وفات ایوب اسکداره دفن اولندی •
(ابراهیم اغا) یکچیریدر بالنقبض قول کتخداسی ۱۱۹۲ده یکچیری
اغاسی اولوب ۱۱۹۳ده عزل ایله تکفور طاعنه نفی اولمش واوراده
وفات ایلشددر •

(ابراهیم حفظی پاشا) (مشعله جی)

سرحداغاسی اماسیه لی سید خلیل اغا صلبندن ۱۱۳۵ده تولد ایلدی باش
محاسبیه دوام ایوب ذمت خلیفه سی اولدی ۱۱۷۴ جاذی الاولنده بهکجه
کوندرلدی بعدالوده بته ذمت خلیفه سی اولدی ۱۱۷۹ده شهر امینی اولدی
۱۱۸۲ده باش محاسبه جی وشوالده دفتردار شق اول اولدی ۱۸۳ رمضانده
کتخدای صدر عالی اولدی ۱۸۴ شعبانی نصفنده عزل اولندی چونکه خلیل
پاشانک انزاهمی کچه سی مشعله ایله عسکر چادرلرینی کزوب عسکره بخشیش
وردی فراریلر عیلمرینی سترایچون کتخدایک بزی مشعله ایله دشمنه کوستردی دیو
عزلنه باعث اولدیلر سلاستره وروسجق وشمینی محافظلرینی تفتیشه مأمور و دیلدیکی
برده اقامته مأذون اولدی و ۱۱۸۵ صفرنده روزنامه اول اولوب درسعادته
عودتنده نشانجی وکیلی اولدی ۱۸۸ ربع الاولنده روزنامه جی اولوب بعد
المصالحه معزول اولدی ۱۸۹ جاذی الاولنده ثابا کتخدای صدر عالی اولوب
ذی القعدنک طقوزنده عزل ایلدی ۱۹۰ جاذی الاخرنده نشانجی و ذی القعدنک

- I - The animal nouns in Turkish.
II- The structure of animal nouns.
III- The factors which influenced naming of the animals.
IV- The animals in Turkish culture (a- *The animals which accepted as sacred. b- Having been given of the animal nouns as names to persons.*)

The words which we researched in the part of comparative dictionary have been given with the alphabetic order. As the following example firstly the words have been given as the transcription and with the form of Arabic letter, and after there are researches as two paragrafes. (3) First paragraph implied the words of which items have been mentioned in Kâmus'u-muhit. In the second paragraph the forms with the meanings of the words in the works, having been researched, have been given with the chronological order and in the modern dialects, the other dialects starting from Turkey - Turkish followed the Turkey Turkish according to their resemblance.

Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler
Enstitüsü Tez Özetleri (1986-1990)
S. 7-8, 1991-KONYA.

Türk Dili ve Edebiyatı Anabilim
Danışmanlık Yöneliminde Lisans Tezi!

3) KARAKUŞ(krş. tavşancıl).

"Tavşancıl kuşına ıtlak olunur ki karakuş dahi dirlir." :

Ar..... (K II, 319).

- ETY 387 *karakuş*; DLT 265 *kara kuş*; KB 223 *kara kuş* "kartal"; Müh. 37 *karakuş*; DK 70 *çal-kara kuş* "kartal"; LÇ 216 *karakuş* "Ukap, anka, simurg, hüma, develet kuşu."; KT 1067 *karakuş* "Yurtıcı kuşlardan kartaldan az küçürek bir cins maruf kuş."; TS 1,648 *karakuş*; Der. VIII, 2648 *karakuş* (II) "1. Kartal. 2. Çaylak."; ADIL 1,429 *garaguş* "gartal"; Trkm. 146 *garaguş* "Laçınlar maşgalasından bolup, dağlık ve çöllük yerlerde yaşayan, et yiyen yurtıcı ve güçlü, çüngki egri guş."; Özb. 166 *karakuş* "step kartalı"; Kirg. S. II, 526 *kara kuş* "step kartalı"; Kaz. S. 162 *garakus* "Yurtıcı kuşların bir çeşidi."; Rad. II,132 *kara kuş* (Osm. Çağ. Alt. Uyg.) "Kartal, karakuş", II, 1012 *kara kus* (Sag.) "kartal", II, 1023 *kara kuş* (Tel.) "kartal".

- el-Kamusül-Muhit
- Mütercim Asım Efendi.

MÜTERCİM ÂSİM EFENDİ'NİN KÂMÜS TERCÜMESİ'NDEKİ
ORGAN İSİMLERİ *
Interpreter Asım Efendi and Organ Names in Kamustratlation

M. Fatih KIRIŞÇIOĞLU **

Danışman (*Supervisor*) : Prof. Dr. Kemâl ERARSLAN
1987, Sayfa: 81

Jüri (*Jury*) : Prof. Dr. Kemâl ERARSLAN
Prof. Dr. Hüseyin AYAN
Doç. Dr. Önder GÖÇGÜN

Öncelikle çalışmamızı Türk dilinin etimolojik sözlüğüne bir katkımız olması amacıyla ele aldık. Bu itibarla Eski Türkçe'den bugüne kadar yaygın bir şekilde kullanılan fiiller, renk ve sayı isimleriyle birlikte kültür kelimesi olarak kabul edilen organ isimleri çalışmamızın temelini teşkil etti.

Çalışmamızda kaynak olarak meşhur Arap sözlükçüsü Firûzâbadî'nin Kâmûsu'nun Osmanlı Türkçesi'ne çevirisi olan Mütercim Âsım'ın "Kâmûs Tercümesi" ni kullandık. Kâmûs Tercümesi, Arapça'dan Osmanlıca'ya geniş izahlı ve arkaik kelimeleri de muhtevî bir sözlük olması itibarıyla de zengin bir kelime hazinesine sahiptir. Ayrıca sözlükte kullanılan kelimelerin bir kısmı "Bizim diyarlarda böyle derler", "Doğu Türkçesi'nde böyle derler" gibi ibarelerle de mahallî ve şive özellikleri de taşıyorlardı. Biz öncelikle çalışmamızın ilk kısmında yüzseksenbir madde başlığı altında organ isimlerini tespit ettik.

Çalışmamızın giriş kısmında organ isimlerinin Türkçedeki önemini, yapısını ve Latince karşılıklarını belirttik. İnceleme kısmında ise, tespit ettiğimiz organ isimlerinin açıklama ve imlaları ile Arapça karşılıklarını belirttik. Bundan sonra ayrı bir paragraf halinde organ isimlerinin Eski Türkçe, Orta Türkçe, Doğu Türkçesi, Batı Türkçesi ve Kuzey Türkçesi ana hatları altında tarihî seyrini ve yaşayan lehçelerle Anadolu ağzlarındaki şekil ve manâ değişikliğini belirttik. Bunu tesbit ederken de yirmi kadar yerli ve yabancı sözlükten faydalandık. İncelememizin son bölümünde ise organ isimlerinin Arap Alfabesiyle indeksini vermek suretiyle kelimelerin imlâsına göre bulunmasını sağladık.

* Bu çalışma 1988 yılında yapılmış olan master tezimizin özettir.

** Selçuk Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi, Araştırma Görevlisi.

11. "Hamdullah Suphi'nin Eski Bir Şiiri: İstanbul", s. 109
12. "Mâî ve Siyah Romamın Üslûbu Hakkında", *Türk Edebiyatı Üzerinde Araştırmalar-I*, s. 440
13. *Tanpınar'ın Şiir Dünyası*, s. 6
14. a.g.e., s. 6
15. *Şiir Tahlilleri*, s. III
16. "O Belde'nin Tahlili", s. 476
17. a.g.m., s. 476
18. *Hikâye Tahlilleri*, s. 11
19. a.g.e., s. 169
20. *Hikâye Tahlilleri*, s. 8

21. a.g.e., s. 236
22. Kaplan Mehmet, "Behçet Necatigil'in Şiirlerinde Cinaz, Tevriye, ve İstihdam Sanatları", *Türk Edebiyatı Üzerinde Araştırmalar-II*, Dergâh Yayınları, İstanbul, 1987, s. 433
23. *Tanpınar'ın Şiir Dünyası*, s. 17
24. *Şiir Tahlilleri*, s. V
25. *Hikâye Tahlilleri*, s. 7
26. "Gün Eksilmesin Pencereyden", *Türk Edebiyatı Üzerinde Araştırmalar-II*, s. 316
27. Kaplan Mehmet, "Medeniyet ve Üslûba Dair", *Nesillerin Ruhunu, Hareket Yayınları*, 1974, 3. baskı, s. 154

28. *Şiir Tahlilleri*, s. V
29. "Ahmet Haşim'in Şiirinde Renkli Hayaller", *Türk Edebiyatı Üzerinde Araştırmalar-II*, s. 292
30. *Cumhuriyet Devri Türk Şiiri-II*, s. 149
31. *Hikâye Tahlilleri*, a.g.e., s. 159
32. *Cumhuriyet Devri Türk Şiiri-II*, s. 128
33. *Hikâye Tahlilleri*, a.g.e., s. 13
34. *Cumhuriyet Devri Türk Şiiri*, s. 131
35. a.g.e., s. 592
36. *Hikâye Tahlilleri*, s. 12
37. *Tanpınar'ın Şiir Dünyası*, s. 235-36
38. *Cumhuriyet Devri Türk Şiiri*, s. 157
39. a.g.e., s. 539

Matbuat Âleminde Birkaç Adım

ALI BİRİNCİ

İlizar:

Herhangi bir köşesini lâıyıkıyla gezmek için bir insan ömrünün kifayet etmeyeceği bir büyük âlemin, kitapların mecmuaların ve gazetelerin uçsuz-bucaksız cangılından küçük ve tabii herşeyden önce bu satırların yazarını heyecanlandıran gezintiler hakkındaki bu fıkraları kadim dostlarım Mustafa Kulu ve İsmail Kara'nın teşvik ve ısrarları ile yazıyorum. Kısaca sevabı onların, günahı benimdir. Birkaç muhatap bulabilir ve kâğıt israfı gibi bir günah-ı kebirden kurtulabilirsem ne mutlu...

Âsım tarihi'nin matbuat âlemini teşrihi

Her şeyden önce bilgi kaynağı olarak müracaat ettiğimiz, muhibban-ı kütüp tafesinin bir mensubu sıfatıyla bazan senelerce bir karasevdalı gibi peşinde ömür tükettiğimiz kitapları gerçeği gibi tanımak onlara karşı ilk vazifemiz değil mi? Kâğıda harf harf düşmelerinin arkasında ne ömürler tüketiyor, hangi maccalardan sonra ve nasıl, ne gibi bir âlâka ile matbuat âleminde arz-ı endam ediyorlar? Doğum yerleri ve seneleri, hattâ ayları veya günleri nedir? Bir kitapla daha yakın, hissî ve zihnî bir sevdaya düşmek için bu ve benzeri bilgilere sahip olmak gerekmez mi? Tanımak, onları daha çok sevmenin ve benimsemenin ilk ve vazgeçilmez bir menzili değil mi? Ama bu âlemin birçok kıymetli mensubunu bile yeteri kadar tanımadığımız da, ne yazık ki, izaha muhtaç olmayan sâde bir gerçek. Ne yazık ki diyoruz; çünkü bu âlemi daha iyi tanımak gerektiği henüz duyulabilecek bir sesle ifade edilememiştir. Ne mücssirler ve ne de eserler hakkında tatmin edici müracaat eserlerine sahibiz. Türk kültürünün temel taşı sayılabilecek eserler hakkında bile en zaruri bilgilerden mahrumuz. Nerede, hangi tarihte basıldıkları bilinenlerin bile daha meraka değer birçok hususiyetleri var. Bunları basma fikri kimden çıktı, kim dizdi, tashihini yaptı, formalarını kirdi, dikti, kapağını düzenledi. Cildini kimler yaptı, hangi dükkanlarda kimler tarafından satıldı. Bu eserin müşterileri, diğer bir deyişle dostları kimlerdi? Bu yollarda tükenen birçok insan, isimsiz kahramanlar dünyasında yaşıyor! Pek azı belki birgün isimliler matbuata katılacaktır. Ancak arabaat âleminin bazı simaları ve eserleri nisbeten daha talihliler. Kendileri hakkında bir köşecikte bekleyen mütevazı da olsa bazı bilgiler bulunuyor. Bu talihlilerden biri de *Âsım tarihi*.

Büyük lügât âlimi Mütercim Ahmet Asım Efendi'nin (1755-27 Kasım 1819) vak'anüvis sıfatıyla kalceme aldığı tarihi 1791-1808 senelerini anlatan kıymetli tarih kitaplarımız arasındadır. İbnülemin'in ifadesine göre yazma nüshasını bir liraya satın alan Küçük Said Paşa, isteği üzerine bunu Mustafa Fazıl Paşa'ya vermiştir. Paşa karşılığında 300 lira ih-sanda bulunmuş, kitabı da basırmıştır. Bundan sonra kitap hakkında yine İbnülemin'in bir şikâyeti var: "İkinci cildin nihayecinde *Ceride-i havadis* matbaası'nda tab edildiği muharrer ise de hangi tarihte hangi taraftan basırıldığı gösterilmemiştir, tarihin mukaddimesi yoktur" (*Son asır Türk şairleri*, İstanbul, 1969, I, 57 dn). Fuad Köprülü de "basılış yılı yazılı olmayan" ifadesini kullanmaktadır (*İslâm ansiklopedisi*, "Âsım" maddesi, I, 672).

Acaba bu gibi hâllerde bilginin fethine talip olanların bu yoldaki mağlûbiyetlerin mesuliyetini kabul edip "arayamadık, bulamadık, rastlayamadık, göremedik" diyebilmeleri bir başka fetih ve daha doğru bir davranış mıdır? Hele "doğduğu ve öldüğü yıllar ve yerler belli değildir" gibi ifadelerin (M. Orhan Bayrak, *Osmanlı tarihi yazarları*, İstanbul, 1982, s. 108) bu meydana yeri olmamak gerekir. *Âsım tarihi*'nin doğduğu senenin mesele teşkil etmesi, daha doğrusu bilinmemesi de hayli şaşırtıcıdır. Bir vak'anüvis tarihi basılır da böyle bir hâdisenin kâğıt üzerinde, bir yerlerde aksi olmaz mı? Esasen Berkes böyle bir bilgiyi 1865 olarak seneler önce vermiş ise de (*Türkiye'de çağdaşlaşma*, İstanbul, 1978, s. 545) yanlış. Berkes baskı tarihine dair bir kaynak görmüş, ama hicrî tarihi milâdî tarihe çevirirken bir yanlışlık yapmış olmalıdır. Hemen her kitap için olduğu gibi, *Âsım tari-*

hi için de zamanın gazetelerinde bir ilân bulunmaktadırlar:

"Vak'a-nüvisan-ı Devlet-i Aliye'den Asım Efendi merhumun kalceme alıp nüshası nâdir bulunan tarih-i dil-pesend-i bi-misil ü nazîri müccerred maarif-mendan-ı asra yadigâr olmak üzere elde bulunan müsahhah ve mükemmel nüshasından bi'tertib cild-i evveli iki nev'i olarak yani birinin âlâ ve diğercinin adı kâğıt üzerine tab'ına mübaşeretle bu kerre reside-i hadd-i hitam olmuş ve âlâ kâğıt üzerine matbuu 35 ve âdisi 30 kuruşa müccelled olarak Sahafılar'da Halil Hüseyin Efendi'nin dükkânıyla sadr-ı esbak Reşid Paşa merhumun türbesi karşısında kıraathanede ve Bağ-çekapusu'nda tönbekici ve Hakkâklar içinde Sahhaf Bekir Efendi ile Ahmed Efendi'nin dükkânlarında fûruht olunmakta bulunmuş olduğunun ve cild-i sânisinin dahi derdest-i tab ü temsil bulunmakta olduğunun ilânına ibtidâr kılınır."

[*Ruznâme-i Ceride-i havadis*, no, 648, (5 Muharrem 1284) s. 2592. Milâdî 9 Mayıs 1867 tarihli bu ilân daha sonraki birçok nüshada da (651, 653, 655, 662, 742, 744, 745, 749) yer almıştır.] İlk ilândan hemen hemen tam beş ay sonra Tarih'in ikinci cildi için yine aynı gazetede ilk ilân çıkmıştır:

"Asım Efendi merhumun iki cilt üzerine telif ve tasnif etmiş olduğu tarih-i nefisin bu kere cild-i sânisini dahi karin-i hüsn-ü hitam olarak âlâ kâğıt üzerine matbuu 30 ve âdi kâğıtlısı 25 kuruş fiyatla cild-i evvelinin bulunduğu mahâllerde fûruht olunmakta bulunmuştur."

(no. 753, 10 cemaziyelâhır 1284, s. 3012). Milâdî tarih 8 Ekim 1867'dir.

Âsım tarihi'nin doğum senesi hakkında hareket ve ilham kaynağımız olan kaynaktan yani M. Belin'in yazısında ("*Bibliographie Ottomane*, ou notice des livres Turcs imprimés à Constantinople, durant les années 1284 et 1285 de l'Hégire", *Journal Asiatique*, Août-Septembre, 1869, s. 77) daha başka bilgiler de bulunmaktadır. Belin'e göre Tarih önce *Ceride-i havadis* gazetesinde tefrika edilmiş, daha sonra kitap halinde basılmıştır. Bu arada o bu vesileyle bir üzüntüsünü de dile getirmekte ve izahının sonunda "maalesef indeksi yoktur" demektedir. İbnülemin'in üzüntüsü ise bir mukaddimesinin bulunmamasıydı. Bizimki ise *Âsım tarihi*'nin tefrikasını ih-tiva eden *Ceride-i havadis* nüshalarını bulamamış ve görememiş olmanın hasretinde ve iştiyakında kavrulmaktığımızdan ileri gelmektedir. Yeni bir visâl daha yeni bir hasretin ilham kaynağı olmuştur.

Derqah, c.1/9, 1990 İstanbul

01 TEMMUZ 1992

-Asım Efendi

Mütercim Asım Efendi

T. C.
ONDOKUZ MAYIS ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ
TEMEL İSLAM BİLİMLERİ ANABİLİM DALI

181392

MÜTERCİM ÂSİM EFENDİ
VE
TUHFİ-İ ÂSİM

27 EKİM 2009

YÜKSEK LİSANS TEZİ

SUNAN ALİ TÜRKMEN

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	181392
Tas. No:	T423.6 TÜR.M

Hazırlayan
Dursun Ali TÜRKMEN

Danışman
Doç. Dr. Hüseyin ELMALI

Mütercim Asım Efendi (132987)

el- Kamûs-ı - muhit (110292)

T.C.
SAKARYA ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ

167903

F.

297.3

YAZ.M

**MÜTERCİM ÂSİM VE KÂMÛS TERCÜMESİ
(HADİS İLİMLERİ YÖNÜNDEN DEĞERLENDİRME)**

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	167903
Tas. No:	297.3 YAZ.M

YÜKSEK LİSANS TEZİ

Numan YAZICI

Enstitü Anabilim Dalı : TEMEL İSLÂM BİLİMLERİ
Enstitü Bilim Dalı : HADİS

Bu tez 19/02/1999 tarihinde aşağıdaki jüri tarafından Oybirliği/Oyçokluğu ile kabul edilmiştir.

Prof. Dr. Abdullah AYDINLI

Doç. Dr. Ali ERBAŞ

Yrd. Doç. Dr. Ayhan

Jüri Başkanı

Jüri Üyesi

Jüri Üyesi



1999 Sakarya

underlying 'Erāqī's text, thus containing the gist of both 'Erāqī's and Jāmī's messages and constituting an independent addition to the text. After his *tamhīd*, Jāmī starts his running commentary and ends it with a chronogram in which the word *atmamtoho* (I finished it) gives the date 886/1481 (more probable than Browne's "tammamtoho," i.e., 885/1480-81, see op. cit., p. 447; cf. *Aşem Efendî*, Tehran, 1329/1911, Jāmī, p. 128; Pertsch, *Verzeichnis*, p. 239; Hekmat, p. 182).

Jāmī's commentary is of high scholarly value and of great help to the reader. Its methodological approach is clearly discernible: to establish the text in its most correct form, then, after elucidating lexical, grammatical, syntactical and rhetorical difficulties as well as the basic Sufi terminology, to elaborate on the cryptic points, and to defend those which seem to need argumentation. Jāmī provides each "flash" with a long title summarizing the specific topic it discusses. He often defines 'Erāqī's terms as well as the difficult terms that occur in the commentary. He identifies the authors or sources of many citations in the text and translates the Arabic ones into Persian. In addition, his commentary includes a considerable amount of his own verse and of Sufi sayings, thus possessing some literary importance on its own. Jāmī's deep poetic sense coupled with his erudition allow him to criticize 'Erāqī whenever his verse is incompatible with the mystic idea he tries to illustrate. More frequently, however, he defends 'Erāqī's notions and sometimes tries to pre-empt possible refutations by raising questions and answering them. In arguing for a certain interpretation, he is flexible enough to bring in more than one interpretation, including plausible variants, and even contradictory ones, then to give the logical reason for his preference. In general, however, he follows a rather strict line of interpretation derived from his adherence to, and direct quotation from, Ebn al-'Arabī and Šadr-al-dīn Qūnawī. By the time of Jāmī, at least six other commentaries on the *Lama'āt* were available (Safā, *Adabiyāt* III, pp. 1197-98; Nafīsī, *Nazm o natr*, p. 164), but Jāmī's commentary is the most informative of all and quite successful in explaining, often plausibly, many points which would otherwise seem too concise or too esoteric to be understood.

Bibliography: Although published more than once in Iran (1303/1885 and 1329/1911) and in India, *Aşem Efendî al-lama'āt* has not yet been critically edited. There are many good manuscripts of the text; see, e.g., W. Pertsch, *Verzeichnis der persischen Handschriften*, Berlin, 1888, pp. 239-42 and Monzawī, *Noskaha* II, pp. 1032-33. For further reference see "Aşem Efendî al-lama'āt" in *Dāyerat-al-ma'āref-e fārsī* I, Tehran, 1345 Š./1966. E. G. Browne, *Lit. Hist. Persia* III, pp. 132-39. W. Chittick and P. L. Wilson, *Divine Flashes* (Eng. tr. of 'Erāqī's *Lama'āt* with commentary), New York, Ramsey, and Toronto, 1982, introd.). 'A. A. Hekmat, *Jāmī*, Tehran, 1320 Š./1942. Safā, *Adabiyāt* IV, p. 517.

(A. E. KHAIKALLAH)

'AŞEM EFENDİ, SAYYED AHMAD, (1168/1755-1236/1819), an Ottoman Turkish linguist and chronicler, known as Mütercim (translator) in recognition of his translations of two famous dictionaries, the Persian *Borhān-e qāte'* and the Arabic *al-Qāmūs al-moḥīṭ*.

Born at 'Ayntāb (now Gaziantep) in the province of Aleppo, 'Aşem came from a cultured family related to Shaikh Otmān of Samarqand. He began to study languages while still a child, learning Persian from his father Rūhī Mostafā Efendī, who was an Ottoman Turkish poet, and Arabic from K'āja Najīb 'Abdallāh Efendī, before long he knew both well enough to write Arabic and Persian poems. After completing his studies, he worked as an official clerk and already enjoyed local fame for his wide learning. Difficulties arising from the war of 1203/1788-89 compelled him to part with the library left to him by his ancestors. In 1204/1789 he went to Istanbul and started on the translation of the *Borhān-e qāte'*. After presenting part of this translation to Sultan Salīm III, he found favor with the Ottoman court and was later appointed to the post of official chronicler (*wāqe'a-nevīs*). He next translated into Turkish a biographical work in verse by Ebrāhīm b. Moḥammad Halabī (d. 956/1549) and composed an Arabic vocabulary in verse for young beginners. While working as the official chronicler, he embarked on the translation of the *Qāmūs* and finished this task in four years. After the deposition of Salīm III in 1222/1807, he again saw hard times, but not for long because he was well regarded by Mahmūd II. His last official appointment was that of *qāzī* at Salonica. He returned to Istanbul before his death on 9 Šafar 1235/1819.

'Aşem Efendī's works are as follows: 1. *Tebyān-e nāfe' dar tarjuma-ye Borhān-e qāte'*, Turkish translation of the Persian *Borhān-e qāte'* by Ḥosayn b. Kalaf Tabrizī. In preparing it, 'Aşem consulted more than thirty other books (*Tebyān-e nāfe'*, p. 6, lines 6-10). He first gives the meaning of the Persian word and then, if necessary, provides further data, sometimes a clarification if the meaning given by the author of the *Borhān-e qāte'* is obscure, sometimes an additional meaning not given in the *Borhān*. He also discusses word formations and derivations. The data on plants are particularly valuable. The translation of the *Borhān* was completed by 'Aşem Efendī on 1 Jomādā I 1212/22 October 1797 and printed in 1214/1799-1800. (For other editions, see F. E. Karatay, *Istanbul Üniversitesi kütüphanesi Türkçe basmalar kataloğu*, Istanbul, 1956, I p. 321).

2. *al-Oqīānūs al-basī fī tarjumat al-Qāmūs*, Turkish translation of the Arabic *al-Qāmūs al-moḥīṭ* of Šayḫ Ṭāher Moḥammad Firūzābādī (d. 817/1415), completed by 'Aşem Efendī on 15 Du'l-qa'da 1225/12 December 1810. It is a faithful rendering apart from the Arabic examples, which are not translated but left as they stand in the original. The translation of the *Qāmūs* was first printed by order of the Sultan Moḥmūd II (3 vols. 1230/1815-1233/1818; for other editions, see Karatay, op. cit.).

3. Turkish translation of the *Star* of Ebrāhīm b. Moḥammad Halabī, a narrative poem. The translation

30 MAYIS 1992

13487

Asım Efendi Mütercim

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN GÖZÜMAN

12036

Mütercim Asım Bey'in
günlük not defterinden 2 sayfa

Yapı Kredi Bankası Genel
Müdürlüğü, F. Köşünlü Yayıncılık
Denizler No 85, Marka 577

155 **ÂSİM EFENDİ** (Mütercim). Seyyid Ahmed Asım Efendi (1755?—1819), Seyyid Mehmed Cenâmî Efendi'nin oğlu olup, Gaziantep'te doğdu. Antep'in tanınmış bilgin ve şâirlerinden olan babası Cenânî ile büyük babası Hulûsî Efendi, şehrin eski bir âilesine mensuptular. Âsım'ın ne zaman doğduğunu kesin olarak bilemiyoruz. Bu âile muhitinde yetişen Âsım, daha pek küçük iken öğrenime başladı; Arap filolojisinde ve islâm ilimlerinde bilgisini genişletti ve böylece, yalnız Türkçe değil, Arapça ve Farsça şiirler yazacak duruma geldi.

Bir süre mahkeme kâtipliğinde bulunduktan sonra, daha genç yaşında, bilgin, şâir ve münşî sıfatıyla çevresinde kazandığı ün yüzünden, Antep mukataasına mutasarrıf olan âyândan Battal Paşa-zâde Seyyid Mehmed Nuri Paşa'nın divan kâtibi oldu. Bâbîâli'nin itimâdını kaybeden Nuri Paşa, hasımlarının entrikalarıyla idama mahkûm olup, onların sevk ettiği kalabalık bir kuvvet tarafından Antep'te kuşatıldı. Şehir halkının kaçmağa mecbur olduğu bu uzun muhâsara sırasında sıkıntılı zamanlar geçiren Âsım, önce âilesini şehirden kaçırdıktan sonra, kendisi de Antep bilginlerinden 30—40 kişi ile

Küçük Türk - İslâm Ans.

(C. 3), s. 195 - 197. 1980. (İST)

MÜTERCİM ÂSİM EFENDİ

M. Şakir ÜLKÜTAŞIR

XVIII inci yüzyıl Türk bilim âleminin kudretli bir siması, büyük bir lûgatçısı olan Ahmet Âsım, 1755 yılında Gaziantep'te doğdu. Babası, Ayıntaplı bilginlerden Şeriye Mahkemesi Başkâtibi "Mehmet Cenani Efendidir. Cenani ailesi, Ayıntap'ta ötedenberi tanınmış ve içlerinden bir hayli aydın adamlar da yetişmiş olan bir âiledir.

"Âyine-i Zürefâ, adlı esere göre, bu âilenin ataları vaktiyle Semarkant'tan Türkiye'ye göçmüş ve ilk olarak, şimdi Maraş'ın bir ilçesi olan, Pazarcık'ta yerleşmiştir.

Âsım, Arap ve Fars dilleriyle İslâm bilimlerini, memleketi olan Antep bilginlerinden Hafız Mehmet, Hacı Hasan ve Hoca Necip Efendilerden öğrendi. İyi ve kuvvetli bir medrese öğrenimi yaptı. Edebiyatı ayrıca babasından ve Kilisli Şair Ruhi Efendiden okudu. Türkçe, Arapça ve Farsça gibi üç dilde yazdığı manzum ve mensur eserleriyle az bir zaman içinde Antep ve çevresinde kendisine iyi bir ün sağlamağa muvaffak oldu. Bir müddet mahkemeye devam etti. Bu sırada Hacı Mehmet ve kardeşi Ahmet Efendilerden de Hadis okudu.

Antep'in ileri gelenlerinden Battal Zade Nuri Bey, paşalık rütbesiyle, bura valiliğine getirildiği zaman Âsım Efendi, onun

divan kâtibi oldu. Nuri Paşa'nın 1789 tarihinde Babîâli tarafından ölüm cezasına çarptırılması üzerine, Antep'e asker gönderildi. Gelen kuvvetlerin şehre yaptığı saldırılar sırasında, Nuri Paşa'nın adamlarından olan Âsım Efendi de, bu arada taarruza uğradığından bir fakirin evine sığınarak orada gizlendi. Şehir içinde yapılan savaşların meydana getirdiği kargaşalıktan faydalanan Âsım, gizlendiği bu evden kaçtı ve Kilis'e gitti. Fakat bu sırada evi eşyası ve kitapları hep yağmalandı.

Biraz sonra ailsini ve Malatya taraflarına kaçmış olan kardeşini Kilis'e aldırıldı. Burada sekiz ay kadar kaldı. 1789 sonlarında ailsini Kilis'ten Gaziantep'e gönderdi ve kendisi de İstanbul'a gitti. İstanbul'da reisülküttap ve vakanüvis bulunan Vasıf'ın aracılığıyla, devrin ünlü bilginlerinden Kazasker "Tatarcık Abdullah Efendi, nin adamları arasına girdi. Bu sıralarda "Burhan-ı Katı,, adındaki mşhur farsça Sözlüğü Türkçeye çevirdi ve bunu III. Selim'e sunmağa muvaffak oldu. III. Selim Âsım Efendi'nin bu tercümesini çok beğendi, takdir etti, onu müerris yaptı. Âsım'a maaş bağlattığı gibi ihsanlar da verdi; ailesinin Gaziantep'ten alınıp İstanbul'a getirilmesini emretti. Fakat o sırada Mısır'da meydana çıkan bazı siyasal olaylar yü-

Hülâsa, her bakanlığa ve her kuruma bu müzenin tanziminde bir ödev verilecek, bir ninenin cihaz sandığından çıkararak sunacağı mütevazî peşkirin de müzede bir yeri olacaktır.

Eserlerin teşhirinde yalnız eserlerin ortaya konması kâfi değildir. Bir kağındaki her parçanın adı, yapılışı yazılar, resimler ve plânlarla canlandırılacak, tarihi ve mukayeseli metotla bunun kültür tarihindeki önemi belirtilecektir. Hiç eser olmadan da yalnız resimler ve bunların izahlarıyla bir müze kurmak imkânı unutulmamalıdır.

Hayalimizi biraz daha genişletirsek bu halk müzesinin içinde Türk Etnografilerinin harıl harıl çalışarak muhtelif etütler ve monografiler hazırladıklarını, yurdun her köşesini dolaştıklarını, ihtisas

dergileri çıkardıklarını, müzeyi gezen seyahatçıların Türk halk tezyini sanatına ait eserleri satın aldıklarını, halkın boş zamanlarında burada eğlenerek öğrendiğini göz önüne getirebiliriz.

Uçak, radyo ve otomobil asrında dış görünüşümüz büsbütün yeknesaklaşmadan ruhumuz değişmeden halkın maddî ve manevî medeniyetini ilim ve sanat hesabına kurtamak için çok kısa bir mühletimiz vardır. Gelecek nesiller isteseler dahi bugün mümkün olanı yapamayacaklar ve ihmallerimizi telâfi edemeyeceklerdir.

Hülâsa, Halk Müzesi bu ulus için bir süs değil, ön plâna alınması gerekli bir ihtiyaktır. Halkın idaresi de onun tanınmasına bağlıdır. Halk Müzesinin kuruluşuyla Halkevleri de bir destek bulacak, büyük mâna kazanacak ve geniş mânada halk eğitiminin bir vasıtası olacaktır.

ve feridülasır olarak «Menem, diğér nist» daiyyesile dehre istiğná eden nice fühulü fudelâ ve allâmei asır geçinen nice efâhimi ulemâ halkai dersi feyzinde zunudei istifade olageidıkları sikadan menkuldür» demektedir. Cevdet Paşa eserinde: «Şam ülemasından olup muahharan İstanbula gele- rek talim ve tedrisi ulüm ile meşgul olan meşhur Sefercelânî gayet zekî, hakimmeşrep bir zatı fezailsimat olup ancak «Rûm'da ulemâ yoktur!» dâva- sında bulunması, esbak sadrâzam Râgıb Paşaya giran gelmekle İstanbulda anınla mübahase ettirecek ve bu dâvayı mutaazzimânesinden geçirecek bir zat taharrisinde bulunmuş ise de mevcutlara güvenemeyüp fakat Ayaklı Kütüphaneyi gözüne kestirerek mâfilbâlini ana keşif ve ihtar eyledikten sonra bir gece mahsusen ikisini dahi davet ile bir âyeti kerimeden bahis açarak ikisini tutuşturduktan üç saat kadar mübahase mümted olup Sefer- celânî her ne tarafa sevki semedi mübahase ettiyse Ayaklı Kütüphaneden mukabelei sahiha görmekte «Hâzâ vâhidün minel ulemâ» deyu müşarün- ileyhin kadrini itiraf ile beraber Rûm'da âlim var idüğünü dahi itirafa mecbur olmuş idüğü mervidir» mülâhazasını serd etmekte ve müşarünileyh Ayaklı Kütüphaneden ahiz ve taallüm edenlerin içinde kesbi imtiyaz ve teferrüd edenlerin Tatarcık Abdullah Efendi ile Gelenbevi İsmail Efendi olduklarını da ilâve etmektedir.

Cevdet Paşanın, Gelenbevi İsmail Efendinin hal tercümesinden bah- sederken Ayaklı Kütüphaneyi alâkadâr eden şu fıkrası da pek mânidardır: «Gelenbevi eyyamı hayatını tahsil ve neşri ulûma hasredüp hattâ kâmil ve mükemmel olduktan sonra Ayaklı Kütüphanenin saadethanesinde yal- nızca olarak müzakere ve mübahase tarzında muhakkikane ve müdekkî- kane Mutavvel okumaya mübaderetle nisfina kadar gelmişler ise de itmam olunamayup kalmış olmasına mebnî İsmail Efendi mantıktan meşhur Burhan nam risalesini telif ile hâcei müşarünileyhe arzyledikte «Pek âlâ, ancak Mutaveli itmam etmiş olâ idin daha güzel olurdu» demiş olduğu ve şakirdânı içinde İsmail Efendinin teferrüt ve imtiyazını itirâf etmesiyle beraber eslâfî müellifinin âsârını tefehhüm ve tafattun daiyyesini terk ile hemen çarçabuk telifi kütüp ve risail sevdasına düştüğü için itiraz eylediği mervidir. Halbuki ol asırdan sonra ulemâyı âlâm hazeratına inkıraz gelmekle eğer İsmail Efendinin telifat ve tahriratı olmasa ol asrın malûmatına muttali olamaz idik. Keşke hâcei müşarünileyh hazretleri dahi bari bahsi geçen imtihana dair bir risalecik yazmış olaydı Kazâbâ- dinin öyle fikri dakik ve iltizamı amîk ile ne vadilerde isarei gubarı tahkîk ve tetkik eylediğine ve ma'rekeârâyı red ve irâdî olan «En» mebhâsi «En evhaynâ» daki miydi, yoksa «En enzir» deki «En» mi idi? Hiç olmazsa burasına kesbi vukuf ederdik» demektedir.

Osmanlı Müellifleri yazarı Tahir Bey, bu zatı anlatırken, allâmei zaman olup yüz sene ömür sürdüğünü bildirir.

Sicilli Osmanî, Muhammed Emin Efendinin, Muhammed Reşid Efendi isminde bir oğlu olduğundan bahsile babasından tahsil görenek mezun olmuş fâzıl bir zat olup Üsküdar'da Seyyit Ahmed deresinde medfun oldu- ğunu yazmaktadır.

(Cevdet Tarihi, cilt 4, sah. 210, cilt 6, sah. 220; Sicilli Osmanî, cilt 2, sah. 389; Osmanlı Müellifleri, cilt 1, sah. 215.)

Antepî Seyyit Ahmed Asım Efendi

Üçüncü Selim ve İkinci Mahmut devirlerinin meşhur âlimlerinden Seyyit Ahmed Asım Efendi, Anteplidir. «Kamus mütercimi» namıyla şöretlidir. Maraşın bir nahiyesi olan Pazarcık ovasında medfun Şeyh Osman Dede sülâlesinden ve Antep hanedanından şair Osman Husuli Efen- dizade Antep mahkemesi başkâtibi ulemadan Muhammed Cenânî Efen- dinin oğludur. Nazmül-leal sahibi Şeyh Ahmed Şihâbî Efendi ataları arasın- dadır. Ebüzziya Tevfik Bey «Numunei Edebiyat» adlı eserinde Asım Efen- dinin resminin altında doğum tarihini Hicrî 1169 senesi olarak göster- miştir.

Mukaddimatı ulûmu, memleketinde Ömerzade Hafız ve Hacı Hasan- zade Efendilerden, ulûmu âliyyeyi meşahiri fudelâdan Hoca Necip Abdul- lah Efendiden, şiir ve edebiyatı babasından ve Kilisli Ruhi Mustafa Efen- diden tahsil etmiştir. Şafîi Efendiler namıyla yad olunan muhaddisinden Eihac Muhammed ve biraderi Ahmed Efendilerden de hadisi şerif oku- muştur. Sadrâzam Sait Paşanın «Gazeteci Lisânı» adlı risalesinde Asım Efendinin fransızcaya vâkıf olduğu yazılıdır.

Asım Efendi, bir müddet, Antep mahkemesine devam etmiş, Antep âyanından Battalzade Mirimiran Nuri Paşanın divan kâtibi olmuştur. Bu zat hakkında bazı ahval sebebiyle verilen idam hükmü üzerine müdafaaya teşebbüs etmesiyle 1204 senesinde Antebe vâkı hücum ve cereyan eden dögüşmeler sırasında Asım Efendinin evi, eşyaları ve kitapları yağmaya uğramış ve kendisi bir fakirin evine iltica ederek oradan Kilis taraflarına savuşmuştur. Nihayet:

«Kalmadan hâki mezellekte heman ey Asım

Azimi süyi semâsâyî Stanbûl olalım»

teranesiyle 1204 veya 1206 tarihinde İstanbula gelmiştir. İslâm Ansiklo- pedisinde: «Asım Efendinin İstanbula gelişi şimdiye kadar zannedildiğine göre 1204 senesinde değil, ancak 1206 (1791) senesinde olmuştur. Çünkü Asım Efendi 1204 yılında Antepten ayrılmış, sekiz ay kadar Kilisde otur-

Mütercim Âsım

Dursun Gürlek

Muazzam bir kütüphaneden ibaret olan evine sık sık gittiğim, bir nev'i sekreterliğini yaptığım halde bizzat kendisinden duymadım, ama başka bir Cemil Meriç sevdalisinden, aziz dostum eczacı Memduh Cumhur'dan şahsen dinledim.

Bir gün Umrandan Uygarlığa yönelen, Bu Ülke'nin insanlarını Kültürden İrfana davet eden Cemil Meriç'in yanına bir profesör gelir. Üstad, rafların birinde arz-ı endâm eden Mütercim Asım'ın müheykel ve müşekkel sözlüğüne bakıp filan kelimenin anlamını söylemesini ister. Edebiyat Fakültesi'nin ünlü profesörü, sayfaları çevirmesine, çam üstüne çam devirmesine rağmen aranan kelimeyi bir türlü bulamaz. Ertesi gün Memduh Bey, "Işık Doğu'dan Gelir" diyerek Üstad'ın yanına gelir. Cemil Meriç ona da aynı görevi verir. Memduh Bey, "El-Okyanusü'l Basîf fi Tercümeti'l - Kamusü'l-Muhît"i açar, aranan kelimeyi anında bulur ve Üstad'ı sevindirir. Cemil Meriç "Hayret ki hayret, bir edebiyat profesörü lügata bakm ayı bilmiyor, oysa bir eczacı meseleyi derhal hallediyor" demekten kendini alamaz.

Lügatçilerin şahı, dilcilerin pâdişahı Mütercim Asım'ın bu büyük mü büyük eseri hakkında bilgi vermeden önce Gaziantep'te allâmenin hayat hikâyesinden kısaca söz etmek istiyorum:

Duaya kapanan kulak

Mütercim Asım on sekizinci yüz yılın son dönemiyle on dokuzuncu asrın başlarında önemli bir ilim ve kültür merkezi olan Gaziantep'te doğdu. Babası şehrin ileri gelenlerinden şair Osman Husûlî Efendi'nin oğlu, Ayıntâb mahkemesinin başkâtibi Cenânî Efendi'dir. Aslen Semerkantlı olan bu aileden birçok âlim ve şair yetiştiği tarihçiler tarafından biliniyor. İşte böyle bir ailenin ferdi olarak dünyaya gelen Asım'ın mâcerası daha doğduğu şehirde başlar. Şöyle ki:

Asım, bir gün Ömeriye Camii'ne gider. Antep mirmirani Mehmet Nuri Paşa ise daha önce gelmiş ve hemen yanbaşına oturmuştur. Mütercim Asım'la Nuri Mehmet Paşa'nın tam önünde bulunan Molla Ahmet adında bir sofı, hutbe okunurken sürekli eliyle kulaklarını tıkar. Padişah için yapılan duayı bir türlü dinlemek istemez. Çünkü ona göre padişah zalimin biridir. Mollanın bu hareketine çok kızan Nuri Mehmet Paşa, camide bulunduğu için "ham sofı"yu hançerlemekten o an için vazgeçer, ama dışarı çıkar çıkmaz şöyle bağıırır: "Be herif! Kur'an'da ve hadislerde İblis, Firavun ve Nemrut adları okudukça eşek gibi dinlersin de zalimliği isbatlanmamış olan ve dinimize göre kendisine itaat edilmesi gereken padişahın adını -zalimdir diye- duymak istemezsin. Senin bu hareketin riyâkârlıktan başka nedir. Bu davranışın halkla padişahın arasını açmak değil midir?"

Paşa, hemen orada bulunan cellâda işaret eder, bu adamın boynunu vurması için emir verir. Ancak araya giren Mütercim Asım, dîvan kâtipliğini yaptığı paşayı yatıştırmayı başarır ve bizim ham sofı

TÜRK DİLİNE
EMEK VERENLER

7 MART 1992

DOKÜMANTASYON MERKEZİ

MÜTERCİM
A S I M

